

بی خیال «بی خیال» شو

● سید محمد مهدی موسوی

حوصله نداری ۷۰ ثانیه پشت چراغ قرمز منتظر بمانی، ثانیه شمار هنوز به ۳۰ نرسیده، گازش را می گیری و به بهانه این که چهارراه ترافیک زیادی ندارد، به سرعت از چراغ قرمز عبور می کنی. احتمالا ته دلت هم خوشحالی که زرنگی کردی و بی خیال بی خیال، قانون را زیر پا گذاشتی... و این داستان ادامه دارد! اگر نگوییم همه، با تأسف فراوان بسیاری از ما به همین سادگی، کار «غیر قانونی» می کنیم و تازه به جای آن که وجدان درد(!) بگیریم و کمی به خودمان بیاییم، به توجیه بافی متوسل می شویم و هر جور شده خود را از دایره متخلفان نجات می دهیم!

جالب این جاست که اگر گاهی خودمان مجبور به تبعیت از قوانین و هنجارها باشیم و در آن حال ناگهان کسی را ببینیم که قوانین را زیر پا گذاشته است، در دل خود افسوس می خوریم که چرا این قدر همه بی قانون شده اند و کسی به کسی نیست؟! همه ما لااقل در حد حرف و شعار، احترام به قوانین و مراعات حقوق دیگران را لازم و ضروری می دانیم و حاضریم در این باره ساعت ها صحبت کنیم اما چرا هنگام اجرا کم می آوریم و یک جورهایی عار و ننگمان می شود که لحظه ای ذهنمان را متمرکز



کباب خوردن یا کباب پز بودن؟

را همه می توانند انجام بدهند. همه می توانند کباب بخورند ولی همه کباب پز نیستند.

بعضی ها برای این که خودشان را بزرگ جلوه دهند، افراد موفق را با تبلیغات منفی و ایجاد فضای مسموم خراب می کنند. در قانون طبیعت برای هر عملی عکس العملی است. باید بدانید که این عمل آنها بیش تر به آزار و اذیت خودشان منتهی شده و موقعیت و شخصیت اجتماعی آنها را متزلزل می کند. شما تا وقتی حرکتی نکنید، پیشرفتی نمی کنید و تا پیشرفت نکنید به تهمتی گرفتار نمی شوید، پس در امور مهم با احتیاط پیش بروید تا از شر حسودان در امان باشید. دل های مردم گریزان است. مردم را شاد کنید ولی برای دلخوشی آنها کاری نکنید. بیش تر مردم خیلی زود تغییر عقیده می دهند و هر وقت و هر روز تحت تأثیر یک نفر قرار می گیرند. بنابراین شما نمی توانید رضایت همه را صد درصد جلب کنید. هر کاری بکنید عده ای با نظر و عقیده تان مخالف هستند. شما کارهایتان را طبق برنامه ای که دارید انجام دهید. با اراده باشید و خونسرد. به حاشیه ها فکر نکنید. زیاد حساسیت نشان ندهید و بکوشید از خطاهای فاحش و قابل پیش گیری جلوگیری کنید. بهتر است اشتباهات را ثبت کنید تا دوباره مرتکب آن نشوید.

● محمد اسماعیلی لیما

وقت خودتان را صرف جواب دادن به حرف هایی که بر ضد شما زده شده نگذارید، در حالی که می توانید با عملکرد خوبتان اثر گفتار کذب آنها را محو کنید. اگر شما هم بخواهید مثل آنها ببینید، بخواهید دیگران را خراب کنید، و... تنها از کار و زندگی خودتان عقب می مانید، ضمن آن که دیگر تفاوتی با آنها نخواهید داشت.

قرار گرفتن در وضعیت روحی عالی آن قدرها هم سخت نیست. هر کس احوالتان را پرسید، بگویید عالی هستیم. در پس هر پیش آمدی، مصلحت و درسی ببینید و از آن مشعلی برای آینده بیفروزید. راه حل بیابید و این قدر دیگران را مقصر ندانید. اگر خودتان را در میدان مسابقه زندگی آماده کرده باشید هرگز شکست نمی خورید و همیشه برنده اید. باور کنید اگر انتقادها نبود پیشرفت های ما هم خیلی چشمگیر نبود. مطمئن باشید «نظری که دیگران نسبت به ما دارند از نظر خودمان نسبت به ما دقیق تر است». آنچه بیش تر موجب پیشرفت زندگی ما می شود انتقاد سازنده است نه تعریف و تمجید.

متفکرانه، موقعیت و وضعیت خودتان را بسنجید و کمتر تحت تأثیر اطرافیان قرار بگیرید. کارهای راحت

کابوس هستی یا انسان‌های پیشرو

ناصر آقابابایی

عباس علی هراتیان

ما یک رفیق مهربان داریم که از هر وسیله‌ای به بهترین نحو استفاده می‌کند تا زیبایی‌های حقیقت را فراموش نکنیم؛ رفیقی به نام خواب!

گاهی همان کاری که در بیداری هم تجربه کرده‌ای وقتی در خواب اتفاق می‌افتد، فوق‌العاده جذاب‌تر به نظر می‌آید. چرا؟ گاهی می‌توانی خودت را از بیرون ببینی. انگار تکرار شده‌ای. هر چیز که اراده می‌کنی انجام می‌شود. زمان وجود ندارد. مکان معنا ندارد. هم‌زمان چند حادثه را می‌بینی و درک می‌کنی. چرا؟

لذت‌ها در حقیقت سهم روح ماست نه جسم. جسم یک دلال بیش‌تر نیست. وقتی یک اتفاق شاد توی خواب برایمان می‌افتد، چون جسم ما آن‌جا وجود ندارد ما لذت آن شادی را بدون واسطه درک می‌کنیم، آن‌هم در اوجش. هر جایی که جسم نیست، زمان و مکان هم وجود ندارد. خواب‌ها به ما نشان می‌دهند که در اصل، وجودمان هیچ احتیاجی به زمان و مکان ندارد بلکه باید از این دو بندی که دنیا به پای ما بسته عبور کنیم. این دو رفقای خوبی نیستند. رفیق نیمه‌راه، رفیقی بی‌وفاست. دوستی که فقط تا لحظه مرگ با ماست معلوم است از اول هم دوست نبوده. دوستی که همراه من، همراه روح من، نیاید و با جسمم بماند، دوست این قفس خاکی است.

خواب‌های ما یک دنیا حرف برای گفتن دارند. خوب‌ها، نمی‌خوانند که خستگی راه را بیرون کنند؛ می‌خوانند تا راه را ببینند. آنهایی که در بیداری با خدا، با مردم و با خودشان صادقند، وقت خواب هم جز رؤیای صادقه نمی‌بینند. تنو چی، با خودت صادق‌ی؟ یا برای خود یک کابوس مکرری؟

تا حال به این اندیشه‌اید که چه نکاتی باعث می‌شود انسان‌ها پیشرو نامیده شوند و چه خصوصیاتی باعث عقب ماندگی انسان‌ها است؟ بیایید با هم ویژگی‌های هر یک از این دو را از نظر بگذرانیم:

این به توانایی‌های خود واقف است و از آنها بهره می‌جوید، آن از توانایی و ناتوانی‌های خود بی‌خبر است.

این متعهد می‌شود و آن وعده می‌دهد.

این به بررسی دقیق یک مسأله می‌پردازد و آن از کنار مسأله گذشته و آن را رها می‌کند.

این به افراد برتر از خود احترام می‌گذارد و سعی می‌کند از آنان چیزی بیاموزد و آن به افراد برتر از خود خشم و نفرت دارد و در پی یافتن نقطه ضعف آنهاست.

این گام‌های متعادل بر می‌دارد و آن دو نوع سرعت دارد: یا خیلی تند یا خیلی کند!

این می‌داند که گاهی پیروزی به بهای بسیار گرانی بدست می‌آید و آن بسیار مشتاق برنده شدن است، در حالی که نه قادر به بردن است و نه حفظ آن.

این در هر شرایطی تعادل و آرامش خود را حفظ می‌کند و آن هنگامی که از دیگران عقب است، تندخو و خشن می‌شود و اگر جلوتر از دیگران باشد بی‌پروایی می‌کند.

این مشکلات بزرگ را به اجزای کوچک‌تر می‌شکند تا حل کردن مشکلات آسان‌تر گردد و آن مشکلات کوچک را چنان بزرگ می‌کند و به هم می‌آمیزد که دیگر قابل حل شدن نیستند.

این می‌داند کدام تصمیم‌ها را به‌طور مستقل بگیرد و کدام را با مشورت دیگران و آن به استقلال خود می‌بالد - در حالی که خودسر است - و به کار گروهی وانمود می‌کند در حالی که یک دنباله‌روی بی‌اراده است.

کنیم و به درستی یا نادرستی کارهایمان و عواقب آنها ببندیشیم.

یکی از پیش‌زمینه‌های وقوع این قانون‌شکنی‌ها در صحنه اجتماعی بی‌تفاوتی است. مولای متقیان (علیه السلام) فرموده‌اند: «اگر نسبت به خوبی و بدی رفتار دیگران بی‌تفاوت باشیم، بدکار برای بدی کردنش جرأت می‌یابد و نیکوکار از رفتار خوبش دلسرد می‌شود.»

منظور از «دیگران» در این فرمایش زیبا می‌تواند شخص خود ما باشد، یا پدر و برادرمان، یا دوست یا فلان راننده‌ای که اصلاً نمی‌شناسیمش و به خاطر نادیده گرفتن مقررات راهنمایی و رانندگی، از او تنفر داریم یا...

به اوضاع و احوال دور و برتان نگاه کنید انگار گرد «بی‌تفاوتی» را بر جامعه ریخته‌اند که ککمان نمی‌گزد و همه نسبت به بی‌قانونی‌ها، هنجارشکنی‌ها و تخلفات،

لحظه به لحظه «به

من چه» و «به تو چه»

سر می‌دهیم! البته این

بی‌تفاوتی را نباید به

همه تعمیم داد هنوز

هستند کسانی که بر مبنای

اصل ۸ قانون اساسی و بر

پایه تکلیف دینی و ملی،

نسبت به هنجارشکنی‌های

مذهبی و اجتماعی ...

حساس هستند. هر چند در

اقلیت باشند اما خب بالاخره

همین اندک حساسیت‌ها

هم در این وضعیت، غنیمت

است و باید امیدوار بود که

اولاً گستره بیشتری بگیرد و

ثانیاً به مانعی بزرگ بر سر

راه قانون‌شکنی‌های آتی

در عرصه زندگی اجتماعی

تبدیل شود.

